

## حذف در گروه اسمی زبان فارسی

سهیلا کاوسی نژاد (گروه دستور زبان فارسی)

### مقدمه

در مقاله «حذف در زبان فارسی» (کاوسی نژاد ۱۳۷۶: ۱۵۵-۱۵۶)، گفته شد که هلیدی، برای حذف، با توجه به جایگاه وقوع آن، سه نوع قایل شده است: ۱) حذف در گروه اسمی ۲) حذف در گروه فعلی ۳) حذف در جمله.

در تعریف «حذف در گروه اسمی»<sup>۱</sup> نیز گفته شد که هر گروه اسمی<sup>۲</sup> از یک هسته<sup>۳</sup> و چند وابسته که در دو طرف هسته قرار می‌گیرند تشکیل شده است. در شرایط خاص، هسته گروه اسمی می‌تواند حذف شود و یکی از وابسته‌ها نقش هسته را در ساختمان گروه اسمی به عهده بگیرد و این همان است که «حذف در گروه اسمی» نامیده می‌شود. این مقاله به بررسی حذف در گروه اسمی در زبان فارسی اختصاص دارد. در این پژوهش، توصیفی که در دستور صادقی و ارزنگ (۱۳۵۶) از ساخت گروه اسمی شده، با اندکی تغییر، مبنا در نظر گرفته شده است. ابتدا حذف در گروه اسمی، با توجه به ساخت آن در زبان فارسی، تعریف و سپس چگونگی پیش‌فرض عناصر در گروه اسمی و انواع حذف در آن مطرح می‌شود.

1) nominal ellipsis

2) noun phrase

3) head (=ه)

## ۱. حذف در گروه اسمی

اشاره شد که گروه اسمی در زبان فارسی از حداقل یک هسته و یا هسته با یک یا چند وابسته تشکیل شده است. وابسته‌های پیش از هسته را وابسته‌های پیشین<sup>۴</sup> و وابسته‌های پس از هسته را وابسته‌های پسین<sup>۵</sup> می‌نامند. اجزای تشکیل‌دهنده گروه اسمی، به‌خصوص وابسته‌ها، نسبت به هم دارای روابط نحوی خاصی هستند؛ به طوری که، اگر آرایش آنها در گروه اسمی تغییر کند و روابط هم‌نشینی آنها متزلزل گردد، عبارت حاصل یا معنی متفاوتی پیدا می‌کند و یا کلاً غیردستوری می‌شود. در گروه اسمی، وجود هسته اجباری ولی وجود وابسته‌ها اختیاری است. برای مثال، گروه اسمی «این درخت سبز» دارای هسته اسمی «درخت»، وابسته پیشین «این» و وابسته پسین «سبز» است. ملاک صوری تشخیص این عناصر به شرح زیر است:

الف) وابسته‌های پیشین به یکدیگر اضافه نمی‌شوند و در بین آنها و هسته نیز نشانه اضافه وجود ندارد.

ب) اولین کلمه‌ای که پس از آن نشانه اضافه قرار می‌گیرد هسته است (در صورت جمع، نشانه اضافه بعد از علامت جمع واقع می‌شود).

ج) اجزای پس از هسته (وابسته‌های پسین) به یکدیگر اضافه می‌شوند مگر وقتی که وابسته پسین از نوع وابسته پسین ۴، ۵ یا ۶ (← پایین‌تر: ۳-۲-۴، ۳-۲-۵، ۳-۲-۶) باشد، یعنی به ترتیب متمم اسم، بدل و بند ربطی توضیحی.

وابسته‌های پیشین اسم نه قسم‌اند؛ اما حداکثر سه نوع وابسته می‌تواند در جلو هسته قرار گیرد (صادقی، ص ۹۹). وابسته‌های پسین هم شش قسم‌اند که شش جایگاه را به وجود می‌آورد؛ یعنی، اگر صورت‌های هم‌پایه را به شمار نیاوریم، یک گروه اسمی حداکثر از ده جزء ساخته می‌شود:

سه وابسته پیشین + هسته + شش وابسته پسین

4) premodifier (=ش)

5) postmodifier (=پ)

۶) صادقی و ارژنگ (۱۳۵۶) حداکثر هفت وابسته پسین برای هسته در گروه اسمی برشمرده‌اند. در واقع، نشانه جمع (ها، -ان و...) نیز جزء وابسته‌های پسین به شمار آمده است؛ در حالی که، در این تحلیل، این نشانه‌ها، چون جزء وندهای تصریفی‌اند و به حوزه صرف (morphology) تعلق دارند، در زمره وابسته‌های پسین، که در حوزه نحو مطرح‌اند، قرار نگرفته‌اند.

وابسته‌های پیشین عبارتند از: شاخص (یا مخصّص) ها (← ۳-۱-۳)، «یک» (نشانه نکره)، صفات پرسشی، صفات تعجبی، صفات مبهم، اعداد اصلی، اعداد ترتیبی<sup>۷</sup>، صفات عالی و صفات اشاره. طبقه‌ای که در جایگاه و ابسته پیشین ۱ قرار می‌گیرد، یعنی شاخص‌ها، شامل عناصری از نوع اسم و صفت است. طبقه‌ای که در جایگاه وابسته پیشین ۲ قرار می‌گیرد شامل عناصری است از نوع صفات عالی، اعداد ترتیبی (گروه دوم)، اعداد اصلی و کلمه «چند». طبقه‌ای که در جایگاه وابسته پیشین ۳ قرار می‌گیرد فهرست بسته دارد شامل عناصری چون صفات اشاره، صفات مبهم، صفات تعجبی، صفات پرسشی و «یک» نکره.

افراد طبقه‌ای که در جایگاه وابسته پسین ۱ قرار می‌گیرند معمولاً عناصری هستند که به آنها مضاف‌الیه توضیحی گفته می‌شود. افراد طبقه‌ای که در جایگاه وابسته پسین ۲ قرار می‌گیرند صفات بیانی هستند. گاهی ترتیب صفت و مضاف‌الیه توضیحی تغییر می‌یابد و صفت وابسته پسین ۱ و مضاف‌الیه توضیحی وابسته پسین ۲ می‌گردد. عناصری که در جایگاه وابسته پسین ۳ قرار می‌گیرند مضاف‌الیه تعلّقی اند یعنی اسم یا ضمیر، و -ی نکره. وابسته پسین ۴ متمم اسم است. پنجمین وابسته پسین بدل، و ششمین وابسته پسین بند ربطی توضیحی است.

اغلب این عناصر را می‌توان بیش از یک‌بار به کار برد و این گرایش در فارسی از راست به چپ افزایش می‌یابد یعنی هر چه به سمت آخرین وابسته پسین نزدیک‌تر می‌شویم این احتمال بیشتر می‌گردد:

(۱) \* این آن کتاب

(۲) \* آن کدام کتاب

۷) در مقابل اعداد اصلی، اعداد ترتیبی قرار دارند. اعداد ترتیبی خود به دو گروه تقسیم می‌شوند. برای توصیف تفاوت آنها، مثال‌های زیر را در نظر بگیرید:  
۱. دو جلد کتاب، کلاس دو      ۲. کلاس دوم، دوم شخص      ۳. دومین کتاب، دومین دانشجو  
«دو» در مثال‌های شماره ۱ عدد اصلی است. اعداد اصلی در جایگاه وابسته پیشین ۲ و گاهی نیز در جایگاه وابسته پسین قرار می‌گیرند.  
«دوم» در مثال‌های شماره ۲ عدد ترتیبی (گروه اول) است. این اعداد غالباً در جایگاه وابسته پسین ۳ و گاهی نیز در جایگاه پیشین قرار می‌گیرند.  
«دومین» در مثال‌های شماره ۳ عدد ترتیبی (گروه دوم) است که همیشه در جایگاه وابسته پیشین ۲ قرار می‌گیرد.  
۸) \* بیانگر غیردستوری بودن ساخت است.

(۳) کارمندانِ جزء و کم‌درآمدِ ما...

(۴) کارمندانِ جزءِ جدیِ ما و شما...

(۵) کارمندانِ جزءِ جدیِ ما، آقایانِ محمدی و صفوی و خانمِ مستوفی...

(۶) کارمندانِ جزءِ جدیِ ما، آقایانِ محمدی و صفوی، که از سفر آمده‌اند و بیمارند...

(مثال‌های دستوری، با اندکی تغییر، برگرفته از صادقی ۱۳۵۶، ص ۱۷۱)

عنصری که جایگاه هسته را در گروه اسمی اشغال می‌کند معمولاً از مقوله اسم عام، اسم خاص یا ضمیر است. ضمائر و اسم‌های خاص معمولاً با وابسته‌ها همراه نمی‌شوند. تنها اسم عام، که در خارج از جمله دلالت بر جنس یا نوع می‌کند یعنی تمام افراد یک جنس یا یک نوع را در بر می‌گیرد، می‌تواند با اغلب وابسته‌ها همراه گردد. ولی بیشتر عناصری که، به عنوان وابسته پیشین یا پسین، در جایگاه‌های گوناگون قرار می‌گیرند می‌توانند جایگاه هسته را نیز اشغال کنند. بنابراین، ملاک شناسایی هسته صورت کلمه نیست بلکه نشانه اضافه است که نقش سازه را در شبکه ساختمانی گروه اسمی نشان می‌دهد.

(۷) بزرگ‌ترین برادرِ آنها ← بزرگ‌ترین آنها  
پسین هسته پسین هسته

پس، در شرایط خاص، هسته گروه اسمی می‌تواند حذف شود و یکی از وابسته‌ها نقش هسته را در ساختمان گروه اسمی به عهده بگیرد. این پدیده «حذف در گروه اسمی» نامیده می‌شود.

در «گروه اسمی مرجع» یا «گروه اسمی غیر محذوف عنه»<sup>۹</sup> (گروهی که جزئی از آن حذف نشده است)، هسته می‌تواند اسمی باشد که بر شخص، شیء یا یک پدیده انتزاعی دلالت کند. اما در «گروه اسمی محذوف عنه»<sup>۱۰</sup> هسته حذف شده است و یکی از اجزای دیگر گروه اسمی، یعنی یکی از وابسته‌ها، نقش هسته را ایفا می‌کند. امکان نشستن وابسته‌ها به جای هسته محذوف در زبان فارسی از راست به چپ کاهش می‌یابد. یعنی احتمال پرشدن جایگاه هسته محذوف با وابسته پیشین<sup>۳</sup> بیشتر است و این احتمال هر چه به وابسته پسین<sup>۶</sup> نزدیک‌تر شویم، کاهش می‌یابد و حتی، در مورد برخی از وابسته‌ها، این احتمال به صفر می‌رسد، مانند وابسته پسین<sup>۳</sup>، ۴، ۶.

9) non-elliptical nominal group

10) elliptical nominal group

به مثال‌های زیر توجه کنید:

- (۸) چشمِ دو نفر رفیقِ همراهِش، در تاریکی شب، دریده شد. به سیاهی خیره شدند و به یکدیگر نگاه کردند. دست‌هایشان لرزید و، در مقابل سرمایی که خشک می‌کرد، هر دو  $\phi$  از عرق خیس شدند. (از رنجی که می‌بریم، ص ۶۱)
- (۹) از پشت به او تیر زد و آن جوان ناکام تو سبزه‌ها می‌غلتیده و می‌گفته آب... آب... از ترس تفنگچی‌ها کسی جرأت نمی‌کرده یک قطره آب به حلق آن  $\phi$  ناکام بریزد.

(سوشون، ص ۹۲-۹۳)

در مثال (۸)، دو، که عدد است و وابسته پیشین ۲ به حساب می‌آید، به جایگاه هسته محذوف رفیق ارتقا پیدا کرده و نقش هسته را در این گروه اسمی ایفا می‌کند. پس گروه اسمی هر دو یک گروه اسمی محذوف‌عنه است. در مثال (۹) هم، واژه ناکام، که معمولاً نقش وابسته پسین ۲ را در ساختمان گروه اسمی ایفا می‌کند، جایگاه هسته محذوف جوان را اشغال کرده است و خود هسته گروه اسمی محذوف‌عنه به شمار می‌آید. بنابراین، گروه اسمی آن ناکام گروه اسمی محذوف‌عنه است.

عنصر(های) حذف شده را در یک گروه اسمی می‌توان به طریقی از درون خود همان متن بازیابی کرد. مثلاً هنگامی که در متنی به گروه‌های اسمی محذوف‌عنه هر دو یا آن ناکام برمی‌خوریم، می‌خواهیم بدانیم ناکام چه کسی است و یا گروه اسمی هر دو را با چه کلمه‌ای می‌توان کامل کرد. معمولاً می‌توان این اطلاعات را از یک گروه اسمی دیگر که قبلاً در متن آمده کسب کرد. به دیگر سخن، یک گروه اسمی محذوف‌عنه وجود گروه اسمی دیگری را که عنصری از آن حذف نشده در متن فرض می‌گیرد و، بدین طریق، باعث ایجاد پیوستگی در متن می‌گردد.

## ۲. پیش‌فرض عناصر در گروه اسمی

گروه اسمی محذوف‌عنه باعث ایجاد انسجام در متن می‌گردد و این حذف بیشتر به صورت پیش‌مرجعی<sup>۱۱</sup> دیده می‌شود.

اما پرسشی که در این جا مطرح می‌شود این است که چه عناصری از گروه اسمی مرجع (غیر محذوف‌عنه) در گروه اسمی محذوف‌عنه باقی می‌ماند و چه عناصری حذف می‌شود؟

11) anaphoric

تا این جا گفته شد که تنها هسته گروه اسمی مرجع حذف می شود و گروه اسمی محذوف عنه ایجاد می گردد. اما همیشه چنین نیست و اجزای دیگر گروه اسمی، یعنی بعضی از وابسته های آن، نیز می توانند، علاوه بر هسته آن، حذف شوند:

(۱۰) - آن سه پسر بچه خیلی شلوغ می کنند.

- کدام سه تا  $\phi$  را می گویی؟

در گروه اسمی محذوف عنه کدام سه تا، علاوه بر هسته گروه اسمی مرجع، یعنی بچه، وابسته دیگر آن، یعنی پسر (پیشین ۱)، نیز حذف شده است. بدین ترتیب، می توان گفت که چه عناصر دیگری از گروه اسمی محذوف عنه، غیر از هسته، که حذف آن اجباری است، می توانند حذف شوند. در حذف، هسته گروه اسمی مرجع همیشه حذف می شود. علاوه بر آن، هر عنصر بعد از وابسته ارتقایافته به جایگاه هسته می تواند حذف شود. در گروه اسمی محذوف عنه مذکور، سه تا، که معمولاً در نقش وابسته پیشین ۲ دیده می شود، جایگاه هسته حذف شده را پر کرده است و هسته گروه اسمی محذوف عنه به شمار می آید. علاوه بر هسته، وابسته دیگر، یعنی پسر (پیشین ۱)، نیز حذف شده است چون بعد از عنصر ارتقایافته (پیشین ۲) قرار دارد. بنابراین، با توجه به مطالب مذکور و این که حداکثر سه وابسته پیشین می تواند قبل از هسته قرار گیرد، در گروه اسمی کدام سه تا پسر بچه خواهیم داشت:

### جدول ۱

این عناصر هم می توانند حذف شوند	حذف این عنصر اجباری است	مثال	اگر هسته گروه اسمی محذوف عنه باشد
پیشین ۲ و پیشین ۱	هسته	کدام $\phi$	پیشین ۳
پیشین ۱	هسته	کدام سه تا $\phi$	پیشین ۲
—	هسته	کدام سه تا پسر $\phi$ ۱۲ ؟	پیشین ۱

در نتیجه، دامنه پیش فرض های ممکن به ساختمان گروه اسمی بستگی دارد و این پیش فرض ها همواره شامل عناصری هستند که بعد از عنصر ارتقایافته به جایگاه هسته

(۱۲)؟ به این معنی است که تشخیص حذف در این گروه اسمی مشکل و حضور یا عدم حضور علامت  $\phi$  مورد تردید است. زیرا گاه تمایز وابسته های پیشین ۱، که غالباً از مقوله اسم و صفت اند، از اسم موجود در جایگاه هسته دشوار است و، در نتیجه، گروه اسمی محذوف عنه کدام سه تا پسر، به نظر ناقص یا محذوف عنه نمی آید.

قرار دارند و عناصری که می‌توانند قبل، یا به طور هم‌زمان (مانند تا، نفر و...) با هسته گروه اسمی محذوف‌عنه بیابند هیچ‌گاه پیش‌فرض نمی‌شوند، ولی می‌توانند تغییر کنند. مثلاً اگر گروه اسمی مرجع این سه تا پسر بچه را در نظر بگیریم، می‌توان جدول ۲ را تشکیل داد. در این جدول، عناصر پیش‌فرض شده و عناصر تغییر یافته در گروه اسمی محذوف‌عنه نشان داده شده است:

جدول ۲

این عناصر تغییر کرده‌اند (پیش‌فرض شده‌اند)	این عناصر تغییر کرده‌اند	اگر گروه اسمی محذوف‌عنه باشد
پیشین ۲ + پیشین ۱ + هسته (= سه تا پسر بچه)	پیشین ۳ (= این)	کدام $\phi$
پیشین ۱ + هسته (= پسر بچه)	پیشین ۳ + پیشین ۲ (= این سه تا)	آن دو نفر $\phi$
هسته (= بچه)	پیشین ۳ + پیشین ۲ + پیشین ۱ (= این سه تا پسر)	آن دو نفر دختر $\phi$ ?

پس، در میان عناصر تشکیل‌دهنده گروه اسمی، هر چه به سمت چپ می‌رویم، احتمال ایجاد گروه اسمی محذوف‌عنه کمتر می‌شود: در مثال آخر جدول ۲، تشخیص گروه اسمی آن دو نفر دختر به عنوان گروه اسمی محذوف‌عنه مشکل است زیرا وابسته پیشین ۱ از طبقه اسم است و می‌تواند خود جانشین هسته محذوف شود و ردپایی از هسته حذف‌شده باقی نگذارد. برعکس، احتمال ارتقای عناصر جایگاه پیشین ۲ و پیشین ۳ به جایگاه هسته گروه اسمی محذوف‌عنه بیشتر است؛ زیرا عناصر این دو جایگاه نمی‌توانند در موقعیت‌های دیگر نقش اسم را ایفا کنند. به دیگر سخن، آنها از مقوله‌ای غیر از اسم‌اند و اغلب مجموعه‌ای بسته و دارای اعضای محدودند.

### ۳. انواع حذف در گروه اسمی

#### ۳-۱ وابسته‌های پیشین

#### ۳-۱-۳ وابسته‌های پیشین ۳

طبقه‌ای که در جایگاه پیشین ۳ قرار می‌گیرد مجموعه بسته‌ای است شامل صفات اشاره (این، آن، همین، همان، چنین، چنان)، صفات تعجیبی (چه)، صفات پرسشی (چه، چگونه، چه‌نوع، کدام، ...) صفات مبهم (هر، هیچ، همه، فلان، برخی و بعضی، خیلی) و «یک» نکره.

### الف. صفات اشاره

این، آن، همین، همان، چنین و چنان می‌توانند هستهٔ گروه اسمی محذوف‌عنه شوند. البته گاه کلماتی که به جای اسم می‌نشینند نمی‌توانند تمام خصوصیات اسم را بپذیرند. چنان‌که این و آن معمولاً نمی‌توانند سی‌نکره بگیرند، چون خود این کلمات معرفه‌سازند. (۱۱) فقط همان معلم کلاس سه دانشگاه می‌رفت. آن  $\phi$  که لنگر به سینه آویخته بود. (مدیر مدرسه، ص ۱۵)

(۱۲) او چنین چیزی نگفته است. ← او چنین نگفته است.

(۱۳) همان بچه که کفش نداشت. همان  $\phi$  که مامانش رقصید. (سوشون، ص ۶۷)

### ب. صفات تعجبی

چه، وقتی بر سر اسم می‌آید، شدت، کثرت، تحسین و تعجب را بر معنای آن می‌افزاید. چه می‌تواند به جای هسته به کار رود:

(۱۴) چه رنج‌ها کشیدم! ← چه‌ها کشیدم!

### ج. صفات پرسشی

کدام برای پرسش از یک یا چند چیز معین به کار می‌رود:

(۱۵) کدام کتاب (کتاب‌ها) را آوردی؟

اسمی که کدام همراه آن می‌آید می‌تواند مفرد یا جمع باشد. بنابراین، کدام سه مفهوم پرسش، معرفه بودن و شمار را در بر دارد. کلمهٔ کدام نمی‌تواند همراه با صفت‌های اشاره وابستهٔ اسم باشد:

(۱۶) \* این کدام کتاب؟

دلیل آن این است که صفت‌های اشاره اسم را معرفه می‌سازند و مصداق آن را با اشاره نشان می‌دهند، در حالی‌که کدام برای پرسش دربارهٔ یک چیز از چند چیز معین به کار می‌رود و با صفت اشاره جمع نمی‌شود. اما این کلمه با اعداد ترتیبی (گروه دوم) و صفت‌های عالی (پیشین ۲) همراه می‌گردد:

(۱۷) کدام اولین نفر را می‌گویی؟

(۱۸) کدام بهترین دوست را می‌گویی؟

کدام می‌تواند به جایگاه هستهٔ گروه اسمی محذوف‌عنه ارتقا یابد و به جای آن به کار رود:



(۱۹) ... باید معین کنند کدام محله برای پیرها، کدام  $\phi$  برای جوان‌ها، کدام  $\phi$  برای انبار و کدام  $\phi$  برای نگهداری تخم‌ها... (سرگذشت کندوها، ص ۳)

چه برای پرسش از یک یا چند چیز از میان چند چیز غیرمعین و نکره نیز به کار می‌رود. به همین دلیل، اسمی که بعد از چه می‌آید همیشه با -ی نکره همراه است. در این حالت، چه سه مفهوم پرسش، نکره بودن و شمار را در بر دارد. چه (مانند کدام) نمی‌تواند در آن واحد با صفت‌های اشاره وابسته اسم باشد و مثلاً نمی‌توان گفت:

(۲۰) \* آن چه کتابی؟

دلیل این امر آن است که صفت‌های اشاره اسم را به اشاره نشان می‌دهند و معرفی می‌کنند، در حالی که چه از زمره وابسته‌هایی است که نکره بودن هسته آن مفروض است و از این رو کاربرد آن با صفت‌های اشاره بی‌تناسب است. اسمی که چه همراه آن می‌آید می‌تواند مفرد یا جمع باشد:

(۲۱) چه کتابی خریدی؟

(۲۲) چه کتاب‌هایی خریدی؟

چه هم‌چنین می‌تواند به جایگاه هسته ارتقا یابد و به جای اسم به کار رود:

(۲۳) من و برادرم که نمی‌تونستیم خرجش رو بدیم... چه  $\phi$  می‌گفتم؟... (از رنجی که می‌بریم، ص ۴۱)

(۲۴) خوب این تیراندازی سربازها تون برای چی  $\phi$  بود؟ (همان، ص ۹)

(۲۵) ... اما نمی‌دونم بیچاره دخترک چی  $\phi$  می‌کنه؟ (همان، ص ۴۷)

صفات پرسشی چه نوع و چگونه نیز برای پرسش درباره کیفیت و نوع و جنس به کار می‌روند. اسمی که پس از آنها می‌آید با -ی نکره همراه است:

(۲۶) چه نوع کفشی خریدی؟

(۲۷) او چگونه مردی است؟

چه نوع می‌تواند به جای هسته گروه اسمی محذوف عنه بنشیند:

(۲۸) چه نوع غذایی را دوست داری؟ ← چه نوعی را دوست داری؟

د. صفات مبهم (هر، هیچ، همه، فلان، برخی، بعضی، خیلی)

هر یکی از وابسته‌های پیشین اسم است که مصداق اسم را غیرمعین یا شامل می‌سازد و

اسم را نکره می‌کند. در زبان فارسی معاصر، هر دو کاربرد را دارد:  
 (۱) یک یا چند چیز غیر معین را نشان می‌دهد. اسمی که بعد از هر می‌آید همیشه مفرد است (هر کتاب) و می‌تواند با -ی نکره همراه گردد (هر کتابی).  
 (۲) شمول را نشان می‌دهد و می‌تواند هم با عدد و هم بدون عدد به کار رود:

(۲۹) هر دو کتاب را خریدم.

(۳۰) هر کتابی را دو بار می‌خوانم.

هر هیچ‌گاه به جای هسته به کار نمی‌رود.

هیچ در جمله‌های منفی یا پرسشی به کار می‌رود. در جمله‌های منفی، اسم جنس را نفی می‌کند و اسم بعد از آن همیشه مفرد و گاه با -ی نکره همراه است:

(۳۱) هیچ کتابی ندارم...

هیچ گاه به جای هسته محذوف به کار می‌رود:

(۳۲) از او هیچ نگرفتند.

(۳۳) هیچ نخورد.

در این حالت، بر کلماتی که بر غیر جانداران اطلاق می‌شود دلالت می‌کند. همه‌گاه به معنی هر به کار می‌رود. در این حالت، اسم بعد از همه می‌تواند با -ی نکره همراه گردد و تکیه قوی‌تر روی کلمه پس از همه قرار دارد (همه شب = هر شب). در این حالت، همه، مانند هر، نمی‌تواند جانشین هسته محذوف شود.

همه‌گاه به اسم پس از خود اضافه می‌گردد که در این حالت دیگر وابسته نیست بلکه هسته است (← بالاتر، ملاک شناسایی هسته). معادل دیگر همه در حالت اضافه تمام است: (همه کارها = تمام کارها). همه ممکن است به تنهایی نیز به کار رود و، در این حالت، در حکم هسته گروه اسمی است:

(۳۴) ناظم قضیه را در دوسه کلمه برای بچه‌ها گفت که من رسیدم و همه  $\phi$  دست زدند.

(مدیر مدرسه، ص ۱۵-۱۶)

فلان بر سر اسم مفرد یا جمع می‌آید. این اسم از نظر گوینده معرفه است ولی، برای آن‌که شنونده مصداق آن را شناسد و یا از آن رو که شنونده مصداق آن را می‌شناسد و نیازی به ذکر آن نیست و یا اساساً برای اختصار، گوینده مقصود را با فلان بیان می‌کند (فلان‌خانه، فلان‌کتاب‌ها). این کلمه در فلان و بهمان و فلانی به عنوان اسم به کار می‌رود.

(۳۵) فلانی را دیدی؟

(۳۶) این کار از فلان و بهمان بر نمی آید.

برخی و بعضی می توانند به جای هسته گروه اسمی نیز به کار روند:

(۳۷) برخی می گویند...

خیلی از جمله وابسته های پیشین اسم است. خیلی از نظر معنی مبهم است و بر چند

شخص یا شیء نامعین دلالت می کند. خیلی می تواند به جای اسم بنشیند:

(۳۸) خیلی ها نیامده بودند.

ه. یک نکره ساز

یک، با آن که عدد اصلی است، می تواند برای نکره کردن اسم نیز به کار رود. یک نشانه نکره همیشه پیش از اسمی که بدان وابسته است می آید.

یک بیشتر در مواردی به عنوان وابسته پیشین نکره ساز اسم به کار می رود که دلالت آن بر وحدت اسم نیز مراد باشد. بنابراین، در زبان نوشتاری، با اسامی غیر قابل شمارش و کلمات جمع و کلماتی که با عدد همراهند کمتر به کار می رود و، در این موارد، بیشتر از -ی یا یک ... -ی استفاده می شود. کاربرد یک (=یه) در چنین مواردی بیشتر در زبان محاوره مشاهده می شود (مثال های ۴۰-۴۳).

(۳۹) یک ده نفری آمدند.

(۴۰) یک آبی خورد و پولی داد.

(۴۱) بریم یه هوایی بخوریم

(۴۲) یه صداهایی می آد.

(۴۳) تقریباً یه ده نفری آمدند.

یک نشانه نکره نمی تواند جانشین هسته محذوف گردد؛ اما، چنانچه به عنوان عدد

اصلی به کار رود، می تواند همراه با -ی گروه اسمی تشکیل دهد:

(۴۴) ... دو تا چای ریخت، یکی را گذاشت جلوزری و یکی هم برای خودش. (سووشون، ص ۶۱)

### ۳-۱-۲ وابسته های پیشین ۲

الف. صفات عالی

صفات عالی عموماً پیش از اسم می آیند و اسم پس از آنها می تواند مفرد یا جمع باشد.

این صفات، هرگاه به صورت مضاف به کار روند، در حکم اسم (هسته) هستند.

(۴۵) گرامی‌ترین مردم پرهیزکارترین آنهاست  
هسته پسین هسته پسین

صفات عالی گاه به تنهایی به کار می‌روند:

(۴۶) زیباترین لباس را انتخاب کنید ← زیباترین  $\phi$  را انتخاب کنید.

این زیرطبقه فهرست باز دارد.

### ب. اعداد ترتیبی (گروه دوم)

اعداد ترتیبی گروه دوم با افزودن -ین به اعداد ترتیبی گروه اول ساخته می‌شوند (هفتم + -ین ← هفتمین).

این گروه از اعداد از وابسته‌های پیشین اسم‌اند و اغلب پیش از آن می‌آیند و ترتیب و مقام و درجه اسم را نشان می‌دهند (هفتمین سال). اسمی که پس از این دسته از اعداد می‌آید معمولاً مفرد و گاهی نیز جمع است: (سومین نفرات). این اعداد به ندرت جانشین هسته می‌شوند.

(۴۷) ۱۴؟ سومین را می‌خواهم (متعلق به گونه نوشتاری زبان)

این دسته از اعداد ترتیبی و صفات عالی، مانند صفت‌های اشاره (پیشین ۳)، اسم رامعرفه و محدود می‌کنند و، به همین دلیل، در آن واحد هر دو می‌توانند وابسته اسم باشند:

(۴۸) همان اولین ماشین را می‌گویم.

(۴۹) همان بزرگ‌ترین خانه مال اوست.

### ج. اعداد اصلی و چند

طبقه دیگری که در جایگاه پیشین ۲ قرار می‌گیرد طبقه اعداد اصلی است و این مجموعه، چون اعداد نامحدودند، باز است. علاوه بر اعداد اصلی، چند نیز در این جایگاه قرار می‌گیرد و شمار نامعینی را می‌رساند. در حقیقت، چند عدد نامعین است (این دوتا دختر بچه، این چندتا دختر بچه). اعداد اصلی گاهی می‌توانند به عنوان اسم به کار روند و هسته گروه باشند:

۱۴؟ قبل از هر ساخت به طور قراردادی نشان می‌دهد که ساخت مورد نظر دستوری است اما کاربرد آن چندان متعارف و معمول نیست.

(۵۰) هیچ دویی نیست که به سه نرسد.

(۵۱) حالا نوبت چهار است.

(۵۲) زری دوتا هندوانه پاره کرد و هر دو  $\phi$  زردرنگ و کال از آب درآمد... (سـووشون،

ص ۱۹۷)

### ۳-۱-۳ وابسته‌های پیشین ۱

آن دسته از وابسته‌های پیشین اسم که بلافاصله قبل از هسته قرار می‌گیرند (شاخص‌ها) شامل عناصری از نوع اسم و صفت‌اند و واژه‌های آزادی هستند یعنی می‌توانند به تنهایی در جایگاه‌های دیگر قرار گیرند. این وابسته‌ها برای مشخص کردن یا محدود کردن اسم و یا صرفاً برای افزودن مفهوم احترام به اسم به کار می‌روند. از این رو، لقب‌ها و عنوان‌ها نیز جزء این دسته از وابسته‌های اسم به شمار می‌آیند (پیرمرد، پسر بچه، سفیدرود، دکتر احمدی، مشهدی حسن).

البته می‌توان این ترکیبات را، به اعتبار معنا، یک کلمه دانست؛ زیرا این وابسته‌ها با هسته خود رابطه نزدیک‌تری دارند و بسیاری از آنها با هسته خود به صورت کلمه‌ای مرکب درآمده‌اند؛ ولی، چون ساختمان این گروه‌ها از نوع وابسته پیشین + هسته است، از نظر دستوری دو جزء‌اند و در توصیف ساختمانی نیز به دو جزء تجزیه می‌شوند. این دسته از وابسته‌های پیشین، به اعتبار معرفه-نکره بودن، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. وابسته‌هایی که لقب‌اند یا خویشاوندی را نشان می‌دهند که الزاماً با اسم‌های خاص که معرفه‌اند به کار می‌روند (دکتر احمدی، مشهدی حسن).

۲. وابسته‌هایی که نه با اسم معرفه به کار می‌روند و نه خود معرفه‌سازند. این وابسته‌ها با وابسته‌های نکره سازگارند و می‌توانند با آنها همراه باشند: (هیچ نوع جوجه کبابی) پیشین ۱ هسته

از دو دسته وابسته‌های مذکور، وابسته‌هایی که لقب‌اند یا خویشاوندی را می‌رسانند می‌توانند، در حذف، جانشین هسته محذوف شوند (عمو مهدی ← کدام عمو  $\phi$ ؟؛ سرهنگ رضوی ← همان سرهنگ  $\phi$ ).

اما در گروه‌هایی که این وابسته‌ها با هسته خود رابطه نزدیک‌تری دارند، به طوری که امروز به صورت یک کلمه مرکب درآمده‌اند، امکان نشستن آنها به جای هسته محذوف

بسیار نادر است (سفیدرود ← \* کدام سفید  $\phi$ ؟).  
گاهی گروه اسمی محذوفِ عنه، از نظر ساختمانی، محذوفِ عنه (ناقص) به نظر  
نمی‌رسد و معنی آن نیز با گروه اسمی مرجع متفاوت خواهد بود:  
(هر یک جوجه کیاب ← هر یک جوجه  $\phi$ )  
پیشین ۱ هسته ?

### ۲-۳ وابسته‌های پسین

وابسته‌های پسین به شش عنصر کوچک‌تر تجزیه می‌شوند که شش جایگاه را به وجود  
می‌آورند. این جایگاه‌ها را طبقات گوناگونی، بر حسب قرابت با هسته، اشغال می‌کنند؛  
یعنی هر طبقه‌ای که به هسته نزدیک‌تر باشد جایگاه نزدیک‌تری را اشغال می‌کند. لازم  
نیست که تمام این شش جایگاه در آن واحد اشغال شود. وقتی جایگاهی خالی باشد،  
طبقات دورتر به هسته نزدیک می‌شوند ولی جایگاه خالی بالقوه وجود دارد و می‌تواند  
اشغال شود.

### ۱-۲-۳ وابسته‌های پسین ۱

اولین وابسته پسین اسم اضافه توضیحی است. این وابسته از مقوله اسم است. در این  
نوع اضافه، گاه میان مضاف و مضاف‌الیه رابطه عام و خاص برقرار است و گاه مضاف‌الیه  
فقط مضاف را محدود می‌کند (کشور ایران، کوه الوند، یوسف پیامبر).  
(۵۳) دو نفرشان هم بودند که نان سنگک خالی می‌آوردند... سنگک را نصف می‌کردند...  
(مدیر مدرسه، ص ۸۳-۸۴)

مواردی که مضاف‌الیه جنس مضاف را نشان می‌دهد (اضافه بیانی) نیز از این قبیل  
است: (کاسه مس). در مواردی که مضاف و مضاف‌الیه هر دو به یک مصداق واحد در  
جهان خارج برمی‌گردند، می‌توان هسته (مضاف) را حذف و وابسته (مضاف‌الیه) را به  
جای آن نشانند: (شهر تبریز ← تبریز). اما، در این نوع حذف، رد پای از عنصر محذوف  
در گروه اسمی دوم باقی نمی‌ماند، زیرا مضاف‌الیه نیز از مقوله اسم است.

### ۲-۲-۳ وابسته‌های پسین ۲

افراد طبقه‌ای که در این جایگاه قرار می‌گیرند معمولاً عناصری هستند که به آنها صفت  
گفته می‌شود. اعداد ترتیبی (عدد اصلی + ام) نیز به این طبقه تعلق دارند. هرگاه این اعداد

با صفات دیگر بیابند، اعداد ترتیبی نزدیک‌تر به هسته قرار می‌گیرند (نفر دوم ایستاده)  
هسته پسین ۲ پسین ۲

این دسته از اعداد ترتیبی و صفات هر دو می‌توانند جانشین هسته محذوف گروه اسمی شوند؛ زیرا موصوف (هسته) و صفت در مصداق یکی هستند. مثلاً در گروه اسمی کتابِ خوب، خوب در جهان خارج جز همان کتاب نیست:

(۵۴) معمولاً  $\phi$  بزرگ‌ترها به  $\phi$  کوچک‌ترها کمک می‌کردند. (مدیر مدرسه، ص ۳۷)

(۵۵) این  $\phi$  سومی را بردار.

(۵۶) پسری موقر مز توی صف کلاس سوم ایستاده بود دریدگی جیب کشش را می‌پوشاند و

$\phi$  ششمی‌ها در گوش هم پیچ می‌کردند و از ته صِفِ  $\phi$  اولی‌ها دو سه نفر دماغشان را با آستین کتشان پاک می‌کردند. (مدیر مدرسه، ص ۱۶)

(۵۷) آن جوانِ ناکام تو سبزه‌ها می‌غلثیده و می‌گفته آب. آب... کسی جرأت نمی‌کرده یک

قطره آب به حلق آن  $\phi$  ناکام بریزد. (سوشون، ص ۹۲-۹۳).

### ۳-۲-۳ وابسته‌های پسین ۳

طبقه‌ای که در این جایگاه قرار می‌گیرد به سه زیرطبقه تقسیم می‌شود: زیرطبقه اسم (گروه اسمی)؛ زیرطبقه ضمائر؛ و یک زیرطبقه یک‌عضوی دیگر که عضو آن  $\phi$  نکره است. این سه زیرطبقه مانعة‌الجمع‌اند، یعنی نمی‌توانند با هم در یک گروه اسمی قرار گیرند. برخلاف طبقه صفات در جایگاه پیشین ۲، انتخاب در این جایگاه نمی‌تواند با کمک نشانه اضافه تکرار شود، یعنی محدود به یک عضو از یکی از سه زیرطبقه‌ای است که نام‌برده شد؛ ولی، انتخاب مکرر، به صورت ساخت‌های هم‌پایه، از طبقات اسم و ضمیر امکان‌پذیر است.

الف. زیرطبقه اسم (گروه اسمی)

زیرطبقه اسم یا گروه اسمی دارای فهرست باز است و، از نظر توصیف معنایی، در این جایگاه، مالکیت (مضاف‌الیه تعلق) را می‌رساند: (پسین ۳ = اسم ← لباسِ سپاهِ علی؛

هسته پسین ۲ پسین ۳  
پسین ۳ = گروه اسمی ← کتاب‌هایِ این نویسنده بزرگ).

هسته  
پسین ۳

افراد این زیرطبقه نمی‌توانند در گروه اسمی محذوف‌عنه جایگاه هسته را اشغال کنند، زیرا خود از مقوله هسته گروه اسمی مرجع یعنی اسم هستند و هم‌چنین می‌توان

گفت که مضاف‌الیه تعلقی و هسته (مضاف) در عالم خارج مصداق‌های متفاوتی دارند. از این رو، نمی‌توان هسته را حذف کرد و مضاف‌الیه را به جای آن نشانند.

#### ب. زیرطبقه ضمائر

زیرطبقه ضمائر دارای فهرست بسته و شامل ضمائری است چون من، تو، او، ما، شما، ایشان/آنها؛ خودم، خودت، خودمان، خودتان، خودشان؛ مَم، مَت، مَش، مِش، مِمان، مِتان، مِشان. از نظر توصیف معنایی، این طبقه نیز، در جایگاه پسین ۳، مالکیت را می‌رساند. این زیرطبقه نیز، چون مضاف‌الیه تعلقی است و در جهان خارج مصداقی متفاوت با هسته دارد، نمی‌تواند در حذف جانشین هسته شود: (مبین فلزی من).  
هسته پسین ۱ پسین ۳

#### ج. زیرطبقه یک‌عضوی یای نکره

زیرطبقه سوم دارای یک عضو است که به صورت تکواژ غیرمستقلِ -i/ / ظاهر می‌شود. این تکواژ علامت ناشناختگی یا نکره و با دو زیرطبقه اسم و ضمیر در این جایگاه متضاد است. از نظر توصیف معنایی، هرگاه دوطبقه اسم و ضمیر در جایگاه پسین ۳ قرار گیرند، گروه اسمی را معرفی می‌کنند. بنابراین، وقتی گروه اسمی ناشناخته باشد، به جای ضمیر یا اسم در این جایگاه یای نکره اختیار می‌شود (معرفه: لباس خوش‌رنگ او؛ نکره: لباس خوش‌رنگی). یای نکره می‌تواند، از نظر توالی، در پی هسته یا وابسته پسین ۱ نیز قرار گیرد (لباسی خوش‌رنگ). این زیرطبقه هم نمی‌تواند، در حذف، جایگاه هسته را اشغال کند.

#### ۳-۲-۴ وابسته پسین ۴

متمم اسم کلمه یا گروه کلماتی است که معمولاً به کمک یکی از حروف اضافه یا نشانه اضافه به اسم وابسته می‌شود: (انتقاد از بدی‌ها).

هسته پسین ۴

متمم اسم دو گونه است: اجباری و اختیاری. متمم اجباری متممی است که معنی اسم بدون آن ناتمام است، مانند متمم کلمه‌های دیگر و سایر در گروه‌های دیگر اشخاص، دیگر مردم، سایر مردم. متمم اختیاری متممی است که گوینده، برای تکمیل معنی اسم، آن را به دنبال اسم می‌آورد (استاد در نقاشی).

هسته پسین ۴



در مورد متمم‌های اجباری، می‌توان هسته‌های گروه‌های اسمی را حذف کرد و متمم را به جای هسته محذوف قرار داد (دیگر مردم<sup>۱۵</sup> ←  $\phi$  مردم).  
هسته پسین ۴

اما، در مورد متمم‌های اختیاری، از آن‌جا که متمم اسم معنی یا توضیحی به اسم می‌افزاید، هیچ‌گاه نمی‌تواند جایگاه هسته‌های گروه اسمی محذوف‌عنه را اشغال کند.

### ۳-۲-۵ وابسته پسین ۵

یکی دیگر از وابسته‌های پسین اسم بدل است. بدل اسم، ضمیر یا گروه اسمی و، به ندرت، صفتی است که با مکث کوتاهی پس از اسمی که هسته آن است می‌آید و توضیحی به مفهوم هسته می‌افزاید یا آن را مؤکد می‌سازد:

(۵۸) برادرم، فریدون، دیروز از سفر برگشت.

(۵۹) حسن، خودش، به دیدن ما آمد.

(۶۰) کتاب امثال و حکم، نوشته دهخدا، را خواندم.

(۶۱) دختر کوچکم، بیچاره، امروز بیمار شد.

از آن‌جا که بدل و هسته‌های گروه اسمی در جهان خارج مصداق‌های واحدی دارند، می‌توان هسته‌های گروه اسمی را حذف کرد و بدل را جای آن نشان داد. در این نوع حذف، ردی از هسته محذوف باقی نمی‌ماند.

### ۳-۲-۶ وابسته پسین ۶

طبقه‌ای که در این جایگاه قرار می‌گیرد از نوع بند ربطی توضیحی است. بند ربطی بندی است که نکته یا توضیحی به اسم می‌افزاید و همیشه پس از آن می‌آید:

(۶۲) کاسه‌ای که شکست دیگر درستی نمی‌شود.

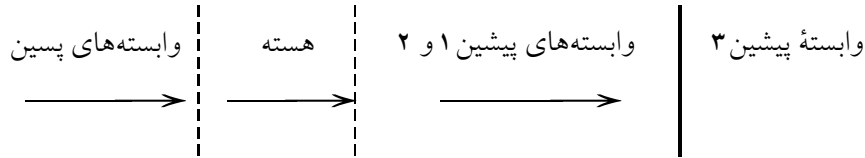
وابسته پسین ۶ هیچ‌گاه به جای هسته‌های گروه اسمی محذوف‌عنه نمی‌نشیند.

## ۴. نتیجه

در گروه اسمی، حذف پایانی برجسته‌تر از سایر انواع حذف صوری است و حذف بیشتر

۱۵) البته، در این حالت، ممکن است گفته شود مردم هسته است. ولی، از آن‌جا که در این مقاله بررسی ساخت‌گروه اسمی مورد نظر نیست، نگارنده، همان‌طور که در مقدمه ذکر آن رفت، توصیفی را که در دستور صادقی و ارژنگ (۱۳۵۶) از ساخت گروه اسمی شده مبنا قرار داده است.

در جهت زیر به وقوع می‌پیوندد:



به دیگر سخن، گروه‌های اسمی محذوف‌عنه عمدتاً نتیجه عملکرد حذف پایانی یا پسین است و غالب حذف‌ها از چپ به راست صورت می‌گیرد و وابسته‌های پیشین گرایش بیشتری دارند که جای هسته محذوف را بگیرند. فضل‌علی (ص ۱۲۷) نیز، در بررسی‌های آماری خود، به همین نتیجه دست یافته است: از ۴۰۴ گروه اسمی محذوف‌عنه استخراج شده، در ۳۵۳ مورد وابسته‌های پیشین جانشین هسته محذوف شده‌اند و تنها در ۵۱ مورد وابسته‌های پسین به جایگاه هسته حذف شده ارتقا یافته و این نشان می‌دهد که وابسته‌های پیشین نقش فعال‌تری در ایجاد گروه‌های اسمی محذوف‌عنه دارند.

از این رهگذر، انواع حذف‌های زیر را خواهیم داشت:

۱. حذف وابسته(های) پسین به تنهایی: از آن‌جا که استفاده از وابسته‌های پسین معمولاً اختیاری است، تشخیص حذف در این مکان مشکل است:

(۶۳) اشعار نو او را، که سال‌ها پیش سروده است، در این مجموعه منتشر کرده‌اند. در بین این

اشعار  $\phi$ ، شعر زیبای «بودن» دیده می‌شود.

۲. حذف هسته + حذف وابسته(های) پسین:

(۶۴) حسن بلندترین  $\phi$  و علی کوتاه‌ترین شاگرد کلاس است.

۳. حذف وابسته(های) پیشین + هسته + وابسته(های) پسین:

(۶۵) دومین پسر بچه‌ای که وارد شد، خیلی زرنگ‌تر از سومی  $\phi$  است.

۴. حذف هسته به تنهایی:

(۶۶) این دو شاگرد باید بروند و آن سه تا  $\phi$  بیایند.

۵. حذف وابسته(های) پیشین + هسته:

(۶۷) این دو کارمند، آقایان صفوی و احمدی، از این اداره رفته‌اند ←  $\phi$  آقایان صفوی و

احمدی از این اداره رفته‌اند.

(۶۸) آن سه دانش‌آموز بلند را بیاور این‌جا! ←  $\phi$  بلندها را بیاور این‌جا!

در حذف پایانی یا پسین، امکان حذف وابسته‌های پسین به تنهایی مانند نوع ۱

مذکور، وجود دارد؛ اما نمی‌توان وابسته‌های پیشین را به تنهایی بدون همراهی هسته آن گروه اسمی حذف کرد. بنابراین، چنانچه بخواهیم نمونه‌ای برای حذف آغازین یا پیشین در گروه اسمی بیاوریم، باید به نوع ۵ در مثال‌های مذکور اشاره کنیم که در آن وابسته(های) پیشین به همراه هسته، توأمأ، حذف می‌شوند. در ساختمان گروه‌های اسمی، حذف میانی نیز دیده می‌شود و آن هنگامی است که عنصری از میان گروه اسمی، شامل هسته و یک یا چند وابسته، حذف شوند. در مواردی که، علاوه بر هسته، دو یا چند وابسته حذف می‌شوند، معنی گروه اسمی محذوف‌عنه مبهم می‌شود:

(۶۹) آن طناب پلاستیکی باریکی که آنها می‌فروشند از آن  $\phi$  که تو خریدی محکم‌تر است.

گروه اسمی دوم را می‌توان به صورت‌های گوناگون کامل کرد:

– آن طنابی

– آن طناب پلاستیکی

– آن طناب پلاستیکی باریکی

بنابراین، برای اجتناب از ایجاد گروه‌های اسمی محذوف‌عنه مبهم، باید این کلمات در گروه اسمی دوم تکرار شوند.

## منابع

### الف. فارسی

آل احمد، جلال ۱۳۷۰: از رنجی که می‌بریم، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر؛ همو ۱۳۳۳ [۱۳۵۶]: سرگذشت کندوها، تهران: جاویدان؛ ۱۳۵۰: مدیر مدرسه، چاپ چهارم، تهران: امیر کبیر؛ باطنی، محمدرضا ۱۳۴۸ [۱۳۷۳]: توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: امیر کبیر؛ دانشور، سیمین ۱۳۷۲: جزیره سرگردانی، تهران: خوارزمی؛ همو ۱۳۴۸ [۱۳۶۳]: سووشون، تهران: خوارزمی؛ صادقی، علی‌اشرف و غلامرضا ارژنگ ۱۳۵۶: دستور زبان فارسی برای سال دوم فرهنگ و ادب، تهران: آموزش و پرورش؛ عاصی، مصطفی و محمد عبدعلی ۱۳۷۵: واژگان گزیده زبان‌شناسی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ فضل‌علی، فاطمه ۱۳۷۳: «بررسی حذف در زبان فارسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی (چاپ نشده)؛ کاوسی‌نژاد، سهیلا ۱۳۷۶: «حذف در زبان فارسی»، نامه فرهنگستان، ۱۳۷۶، ش ۱۲، ص ۱۴۶-۱۶۶؛ همو ۱۳۷۱: «حذف در زبان فارسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، (چاپ نشده)؛ همایون، همادخت ۱۳۷۱: واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

### ب. انگلیسی

Halliday, M.A.K. and Ruqaiya Hasan 1976 [1992]. *Cohesion in English*. London: Longman.

Quirk et al 1985 [1991]. *A Comprehensive Grammar of the English Language*. London: Longman.